

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله اول: آغاز کار
فصل یازدهم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله اول

فصل یازدهم

نکاتی در خصوص پایان جلسات

هیچ جلسه ای، باز می گویم: هیچ جلسه ای را طولانی تر از موعدی که برای آن تعیین کردید، ادامه ندهید (۱). اگر چنین کنید، این اشتباه یقیناً باعث پشیمانی شما خواهد شد. در جلسات بعدی این بی نظمی باعث ضعف انضباط می شود و امکان عمل روح القدس را به صفر می رساند. این هشدار شامل گپ زدن با متقاضی پس از پایان جلسات نیز می شود. در پایان جلسات، پس از دعا، از صندلی خود بلند شده دستتان را برای خدا حافظی به طرف متقاضی دراز کنید و او را به خارج از اطاق مشاوره هدایت نمائید. کپ زدن، در کنار در و پس از پایان جلسه دو نوع ضرر را ایجاد می کند: اول ائتلاف وقت است، و عمدتاً محیط روحانی ایجاد شده را از میان می برد. حال لازم است قدری در این مورد صحبت کنیم.

زمانی جلسه مشاوره مسیحی (جلسات اولیه) پایان می یابند که با متقاضی در دعا همراه می شوید. این زمانی است که جلسه قاعدتاً به اوج مطلبی که می خواستید رسیده، تکالیف هفته آینده داده شده، و در دعا، برای تعهداتی که متقاضی به خدا داده، برای سرسپردگی او به خدا، مسائلی که در هفته آینده در پیش خواهد داشت و وسوسه هائی که ممکن است گریبانگیر او شود، و برای انجام تکالیف خانگی، دعا خواهید کرد. این اوج (۲) نهایت جلسه را فراهم خواهد ساخت (پایان صحبت های شما؛ اوج روحانیت متقاضی؛ آغاز دعای آخر جلسه). و در پایان دعا، زمانی که ”آمین“ را به زبان می آورید، زمانی است که باید از صندلی به پا خاسته و متقاضی را روانه انجام خواست های خدا بنمائید. بیاد داشت باشید که الگوی کار خود را در جلسات اولیه مشاوره بنا می کنید. صحبت های همه گانی (گپ زدن؛ خوش و بش کردن؛ راجع به اخبار روز صحبت کردن؛ و غیره) متقاضی را از زیر پوشش روحانیتی که در جلسه بوجود آورده اید بر می دارد و چشمان او را از خدا به دنیا منتقل می نماید (۳). این دقیقاً همان است که نمی خواهید!

”اوج“ جلسه، زمانی است که بحث به پایان رسیده و خود را برای دعای پایان جلسه آماده می کنید. این اوژ باید شامل نکات تشویق کننده نیز باشد. تشویق را نیز می توانید شامل ترغیب هم بکنید:

”حال که سرسپردگی خود را به خدا اعلام کردید، می توانید اطمینان داشته باشید که اگر کارهائی که صحبت از آن کردیم را انجام بدهید، اوضاع عوض خواهد شد. ننگارید چیزی جلوی کار شما را بگیرد. بیاد داشته باشید که این خدا است که تغییرات لازم را در شما و دیگران ایجاد خواهد نمود. او در زمانی که مکافات جلودار کار شما است، با شما خواهد بود. مهم این است که ننگارید چیزی باعث شود آن سرسپردگی که به خدا و تعهدی که به انجام کار ها دادید را فراموش کنید. بیاد داشته باشید که با ”فیض“ او، کار را با موفقیت به پایان خواهید رساند. حال، قبل از آنکه جلسه را خاتمه دهیم (۴)، بیائید با هم دعا کنیم.“

قبل از آنکه متقاضی از اطاق خارج شود، اطمینان یابید که همه چیز را با خود برده است. ننگارید چیزی جای گذاشته شود. مواردی رخ داده که متقاضی تکلیف داده شده را در جلسه جا گذاشته

است. این بخاطر آن است که یا افکارش جای نیافته و حواسش پرط شده، یا اعصابش متشنج است. البته نباید امکان آنکه شخصی عمداً تکلیف را فراموش کرده را نادیده گرفت. البته فرقی ندارد که عمدی بوده یا نه(ه)، شما باید خود را مسئول آن بدانید که متقاضی تکالیف(ه) داده شده، کتابچه و انتشارات، و یادداشت هائی که برای خود نوشته، همگی را در موقع خدا حافظی در دست دارد.

فهرست زیر نویس های فصل یازدهم

- (۱) البته قبول دارم که موارد استثنائی آن را ایجاب می کنند، اما تاکید را بر استثنا می گذارم. موارد استثنائی نیز از نوع استراری باید باشند نه چیزی کمتر از آن.
- (۲) مانند نردبانی است که پله های آن برداشت های روحانی می باشند که متقاضی در طول جلسه بدست آورده است. ”اوج“، جایی است که می خواهید متقاضی در آن باشد تا بتواند آنچه برایش در هفته آینده تدارک دیده اید را انجام رساند.
- (۳) با معرفی مباحثی که ربطی با موضوع ندارند، قدرتی که روح القدس بدست آورده را کم می کنید. مانند نردبانی است که متقاضی به پائین پله های روحانی آن رسیده باشد.
- (۴) توجه کنید: این نشانه ختم جلسه است.
- (۵) بیاد داشته باشید که ما مسئول رسیدگی به نیت مردم نیستیم. آن در دل او جای دارد و تنها به متقاضی و خدا ربط پیدا می کند.
- (۶) تکالیف را باید همیشه چاپ شده در دست متقاضی گذاشت (از دست شما، چاپ شده به دست متقاضی). این خود سوء تفاهات را از میان بر میدارد. تکلیف چاپ شده نیز، در هفته ای که به آن طعلق داده شده، نقش مشاور را بخود می گیرد، و متقاضی را تشویق می کند کار ها را انجام دهد.